

(۹۸) مهدی، مصلح غیبی و جهانی

عقیده بظهور مصلح غیبی و جهانی؛ در کیشهای آسمانی: زور استر یانسیم (مذهب زردشت) وجودا نیسم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت «کاتولیک»؛ پروتستان، ارتو دوکس» و مدعیان نبوت عموماً، و در دین مقدس اسلام خصوصاً، بمثابة يك اصل مسام دینی، قبول شده و همگی بالاتفاق، بشارت ظهور مصلح غیبی و جهانی را داده اند. اعتقاد بدوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی غیبی که باصطلاح فو توریزم Futurism نامیده میشود، در مباحث تئولوژیکی (بمعنی عمومی کلمه که شامل تمام مسائل مذهبی میشود) مذاهب آسمانی رشته تئولوژی بیبلیکال (تئولوژی کتب مقدسه؛ که میان استدلالی آن متون کتب مقدسه است) کاملاً مورد شرح و بسط قرار داده شده است و بشاراتی که در این موضوع در کتب مقدسه آسمانی، و در کتب مدعیان نبوت، وارد شده، بشمار است که بعنوان نمونه، از کتب غیر اسلامی اسامی کتب ذیل را میتوان نام برد:

«زور، زند؛ حکمی، صفیناه؛ اشعیاء، شاکنونی، دید، پا تکیل (هند) انجیل متی، انجیل یوحنا، دانیال، جا ماسب و...»
 به کتاب: «بشارت عهدین» تألیف «محمد صادق تهرانی» ص ۲۳۲ تا ص ۲۸۶ که بشارت این کتابهارا نقل کرده، رجوع شود.

اخبار متواتره را جمع بامام زمان

در نتیجه تنبیح غیر استقصائی متجاوز از ۳۰۰ روایت از پیغمبر اکرم و ائمه علیهم السلام در باره امام زمان بدست میآید (مکتب اسلام شماره ۳ سال اول) و «منتخب الاثر» تألیف «لطف الله صافی گلپایگانی».

علمای شیعه همگی دعوی تواتر نموده اند، و از «شافعی» نیز، قول بتواتر نقل شده است (کفایة المؤمنین - سید اسمعیل طبرسی ج ۲ ط جدید ص ۷۲)

اکابر علمای اهل سنت احادیث مربوط بامام زمان را در کتب خود نقل کرده اند مانند: احمد، ابن داود، ابی ماجه، ترمذی، بخاری، مسلم، نسائی، بیهقی، ماوردی، طبرانی، سهمانی، رویانی، ابن قتیبه، ابن سری، ابن عساکر

کسانی، ابن اثیر، حاکم ابن جوزی، شارح معتزلی ابن صبانح، مالکی، ابن مغزالی، شافعی، محب الدین طبری، شبلنجی و... (منتخب الاثر ص ۳- ۴).

ظهور مهدی، قائم آل محمد، متفق علیه و معروف بین تمام فرق اسلامی است («تشریح و معاکمه در تاریخ آل محمد» تألیف قاضی بهلول بهجت افندی ط ۷ فارسی ص ۱۳۹ و ۱۴۱-).

و ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۵۳۵ ط مصر - مقدمه ابن خلدون ط مصر ص ۳۱۲ - صحیح ترمذی ج ۲ ط دهلی ص ۴۶ - «غایة المآول» شیخ منصور علی ناصف ج ۵ ص ۳۶۲ - «اسعاف الراغبین» تألیف «صبان» ب ۲ ص ۱۴۰ ط مصر - نور الابصار «شبلنجی ط مصر ص ۱۵۵ - «الصواعق المحرقة» ابن حجر عسقلانی ط جدید مصر ص ۱۶۰، بعد و ۲۰۶ - «الفتوحات الاسلامیه» احمد ذینی دحلان» ج ۲ ط مصر ص ۲۱۱ - «سبائك الذهب» سویدی ص ۷۸ - و...)

تصریح باسم مهدی و عدد ائمه

در باره اینکه ائمه دوازده نفرند ۲۷۱ حدیث و اینکه عدد آنها بعد نقباء بنی اسرائیل است (و بعثنا منهم اثنتی عشر نقیباً . . . سورة ما تده آیه ۱۲) ۴۰ حدیث، و اینکه اول آنها علی است ۱۳۳ حدیث، و اینکه اول آنها علی و آخر آنها مهدی است ۹۱ حدیث و اینکه ائمه ۱۲ نفر و آخر آنها مهدی است ۹۴ حدیث و اینکه ائمه ۱۲ نفر و ۹ نفر آنها از اولاد امام حسین (ع) است ۱۳۹ حدیث و اینکه ائمه ۱۲ نفر و ۹ نفر آنها از اولاد حسین و نه می مهدی قائم آل محمد است ۱۰۷ حدیث نقل شده است (منتخب الاثر ص ۱۰ تا ۹۷)

ولی «بشارت عهدین» فهرست احادیث را خیلی بیشتر ذکر کرده (ص ۴ ۲۸ و ۲۸۵)

اما تصریح باسماء ائمه اطهار علیهم السلام که اول آنها علی بن ابیطالب و آخر آنها مهدی است. در روایات زیادی که خاصه و عامه نقل کرده اند؛ وارد شده است از جمله: ینابیع الموده - الفتوحات المکیه، البواقیت و الجواهر کفایة الاثر، بحار الانوار ج ۱۳ - غایة المرام؛ و دلائل الامام، کافی؛ منتخب الاثر (در منتخب الاثر از ص ۹۷ تا ۱۴، پنجاه حدیث از عامه و خاصه در این باره نقل شده است).

حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است .

بسیاری از علماء اهل سنت باین معنی اعتراف کرده اند ، از جمله ابن خلیکان در روایات الاعیان ج ۱ ص ۴۵۱ و محمد امین سویدی در سیاتک الذهب ص ۷۸ و شبر اوی در الانحاف ص ۱۷۹ و احمد بن یوسف قرمانی در اخبار الدول ص ۱۱۷ و ابی الفداء در المختصر (تاریخ) ج ۲ ص ۴۵ و ابوالفلاح حنبلی در شذرات الذهب ج ۲ ص ۱۴۱ و ۱۵۰ .

و شبلنجی در نور الابصار ص ۱۴۶ و ابن خلدون در تاریخ ج ۴ ص ۱۱۵ و یافعی در تاریخ مرآت الجنان ج ۲ ص ۱۰۷ و ابن الوردی در تاریخ ج ۱ ص ۲۳۲ و میر خوند در روضة الصفاء ج ۳ طجدید ص ۵۹ و فرید وجدی در دائرة المعارف ج ۶ ص ۴۳۸ ماده « العسکری » و عبدالرحمن جامی در شواهد النبوه و بطرس بستانی هم در دائرة المعارف خود ذیل احوالات امام حسن عسکری همین موضوع را مینویسد .

این بودیعت بسیار مختصر در باره این موضوع ، امید است مؤسسه انتشارات مکتب تشیع در آینده تواند بخشهای مفصل و کتابهای مستقلی در این باره نشر نماید (۹۹) این مطلب در قرآن کریم ، با بیانههای مختلفی ، تشبیه شده ،

و موضوع وحدت و عمومیت شرائع الهیه ، روی همین اصل گذاشته شده است ، مانند آیه کریمه ای که خطابی از خطابات عمومی حقر نسبت بانبیاء حکایت مینماید : « ان هذه امته واحده وانار بکم فاعبدون » (سوره انبیاء ، ۹۲) این گروه شماست ، در حالیکه گروه بک نواختی است ، و من پروردگار شما هستم ؛ پس همه تان تنها مرا بپرستید .

در چندین جا دارد : « بعضکم من بعض » و همچنین خطابات عمومی که در قرآن کریم بعنوان « یا بنی آدم » ، « یا ایها الناس » هست این معنی را روشن میسازد .

(۱۰۰) این حقیقت ، در قرآن کریم ، بلفظ هدایت عامه بیان شده ؛ مانند آیه شریفه : « ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی » (سوره طه آیه ۵۰) (پروردگار ما آنست که بهر چیزی آفرینش مخصوصی داد ، سپس او را راهنمایی کرد) و آیه کریمه : « الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی » (سوره اعلی آیه ۲ - ۳) .

دین جاودانی

(۱۰۱) همین معنی است که در آیات کریمه ذیل بوی اشاره شده است : **دو نفس و ما سواها فألهمها فجورها و تقواها** ، **قد افلح من زكاهها، و قد خاب من دساها** (سوره شمس آیه ۷-۱۰) سوگند بنفسی که قابل توجه است، و آنکه او را درست کرده، پس از آن بوی تقوی و فجور او را الهام نموده است، رستگار شده است آنکه نفس خود را زکات و نمو داد، و از رستگاری ناامید شده است، آنکه نفس خود را از نمو رشد باز داشته، و افساد کرد .

در آیات شریفه ؛ چنانکه پیدا است ، هم الهام شدن راه صلاح و فساد بانسان ، و هم مطابقت این الهام با صلاح و فساد واقعی انسان، تند کرده شده است .
و لوازم همین مطلب با آیه شریفه : **« فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرة**

الله التي فطر الناس عليها » (سوره روم آیه ۳۰) ، نیز تأیید میشود، زیرا وقتی که دین خدائی مطابق فطرت و خلقت انسان گردید ، مخالفت دین و انحراف از وی انحراف از مقتضای فطرت خواهد بود .

(۱۰۲) **دین جاودانی** : از نظر اینکه قرآن کریم ، دلالت بر این دارد؛ که محتویات وی (بطور اطلاق) قابل نسخ نبوده ، و هیچگونه عاملی که موجب ابطال مطلبی از مطالب وی بوده باشد ، بوی راه ندارد . مانند آیه ، کریمه : **دوانه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لانه خلفه** « (سوره م سجد آیه ۴۲) (همانا که قرآن کتابی است گرامی که باطل از پیش روی و از پشت سر بوی راه ندارد) .

و همچنین آنچه دلالت بختم نبوت دارد ، و دوام و همیشگی طرجهای قرآنی دلالت میکند ، مانند آیه کریمه : **« ما کان محمد اباً احد من رجالکم ؛ ولكن رسول الله و خاتم النبیین** » (سوره احزاب آیه ۴۰) (محمد پدر هیچکدام از مردان شما نبود . ولیکن فرستاده خدا و ختم کنندۀ انبیاء میباشد) البته این نیز ، از مذاق قرآن روشن است ؛ که هیچ طرح اصلاحی را ؛ که از غیر راه وحی و نبوت بدست آمده باشد ؛ حق و صحیح نمیداند ، و نتیجه اش اینست که طرجهای اسلام ؛ تا انقراض بشریت معتبر است .

(۱۰۳) **قصه آفرینش آدم و هو و طش که در قرآن کریم در سوره « بقره »**

و سوره «اعراف» و سوره «طه» واقع است، این مطلب را با همه لوازمش روشن میسازد، در آیات سوره «طه» که موجز تر است میفرماید :

«قال اهبطا منها جميعا بعضكم لبعض عدو فاما يا ايها الذين آمنوا فممن اتبع هداى فلا يضل ولا يشقى ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكا ونحشره يوم اليامة اعمى قد كنت بصيرا قال كذلك آياتنا فنسيتها و كذلك اليوم تنسى» (سوره طه آیه ۱۲۳ - ۱۲۶).

(بآدم و زوجه اش فرمود: همه تان از بهشت پائین بروید، در حالیکه، یاتان دشمنی خواهند بود، بس اگر بسوی شما از من هدایت و راه نمائی برسد، هر که از هدایت من بیروی کند؛ از راه راست گم و در زندگی خود بدبخت نخواهد شد، و هر که از یاد من اعراض کرده؛ و روگردان شود، زندگی تنگی خواهد داشت، و ما او را روز ستاخیز کور محسور میکنیم.

میگوید: پروردگارا چرا مرا کور محسور کردی؛ در حالیکه بینا بودم؟ خدا میفرماید: همچنین آیات من بسوی تو آمد، (تو را بحق دلالت کرد) آنها را فراموش کردی، و خودت نیز همانطور و امر و فراموش میروی (۱۰۴) دعوت بسوی حق از بدیهیات قرآن کریم است. و با رستارین بیانی در موارد زیاد. حق را تنها راه درستکاری و خوشبختی معرفی کرده، و از خلاف حق، اگر چه مطابق خواسته اکثریت، بلکه اتفاق مردم بوده باشد، نهی میکند، مانند آیه شریفه: «فماذا بعد الحق الا الضلال» (سوره بونس آیه ۳۲) (چیسست بس از حق غیر از گمراهی). و آیه شریفه «لهدنوة الحق» (سوره عد آیه ۱۵) و آیه شریفه: «لقد جئناکم بالحق؛ و لکن اکثرکم للحق کارهون» (سوره زخرف آیه ۷۸). و آیه شریفه: «والله یقضى بالحق» (سوره مؤمن آیه ۲۰) و آیات زیاد دیگری بهمین مضامین.

(۱۰۵) مانند کریمه: «والذین آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل علی محمد و هو الحق من ربهم کفر عنهم سیناتهم و اصلح بالهم» (سوره محمد آیه ۲) (و آنانیکه ایمان آوردند، و اعمال صالحه؛ انجام دادند، و ایمان آوردند، بآنچه بمحمد (ص) نازل شده، در حالیکه اوحق است، و از جانب پروردگارشان میباشد خدا کارهای نا شایسته آنها را

پوشانیده، و مهمات زندگی آنها را اصلاح و تأمین میکند.
 و کریمه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خَسْرٍ؛ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» (سوره عصر آیه ۳) تحقیقاً انسان، در زبانکاری است؛ جز آنهایی که ایمان آورده؛ و اعمال صالحه را انجام داده، و حق را به دیگری سپردند.

(۱۰۶) دنیا برای انسان خلق شده، نه انسان برای دنیا بدلت کریمه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (سوره بقره آیه ۲۷) (اوست کسیکه برای شما همه آنچه در زمین است، آفرید) و همچنین آیه شریفه: «سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (سوره جاثیه آیه ۱۲) (مسخر کرد بشما - یا برای شما - همه آنچه در آسمانها و زمین است؛ از پیش خود) و آیات دیگری که بهمین مضمون میباشد، و همین آیات است، که دلالت دارد، بر اینکه نیروی انسانیت روزی بهمه جهان چیره شده، و از همه چیز استفاده خواهند نمود.

(۱۰۷) انسان باید؛ در مسیر دستگاه آفرینش براه افتد چنانکه آیه کریمه ذیل اشاره مینماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ، أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ، سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (سوره جاثیه آیه ۲۰ - ۲۷) این آیه باهفت آیه بعد از وی، اینمطلب را بطور قابل توجهی بیان میکند، و محصل آنها اینست که:

آنهاییکه در جهان، بواسطه کارهای ناشایسته خود، هر جرم و جناحی را مرتکبند، خیال میکنند که با تدبیر خود، در مقابل تدبیر خدائی، که جهان آفرینش حامل و نشان دهنده اوست؛ میتوانند سعادت را که برای مردم نیکو کار ترتیب دادیم؛ بدست آورند، اینان قضاوت بدی میکنند، زیرا خداوند، آسمانها و زمین را طبق هوس آنها نیافریده، که بتوانند اوضاع عالم را بدلتخواه خود تطبیق دهند، بلکه آفرینش ثابت و پابرجائی است، که تابع هوس کسی نمیشود، و مقتضای این آفرینش همین است، که هر کسی محصول عمل خود را بردارد.

آری کسیکه، خواهش نفسانی خود را پرستش میکند، و در عین حال که حق برایش روشن است، خداوند چشم و گوش و دل او را از کار انداخته، دیگر

کیست غیر از خدا که هدایتش نماید .

اینان کسانی هستند که از راه مستقیم شدن معاد ، زیر بار قوانین دینی که بر اساس معاش و معاد گذاشته شده ، نمیروند ، بلکه گمان میبرند که همین زندگی پنجروزه دنیا است ؛ و جر روزگار چیزی در مرگ و زندگی آنها حکومت نمیکند ؛ اینست که طبق اشتباهی زندگی دنیوی پرستش عواطف پرداخته ؛ و اندامداری را تعقیب مینمایند .

این سخنان را میگویند ، در حالیکه از راه عام ودانش راهی برای اثبات این نظر منفی ندارند ، فقط استبعادی است ، باینان باید گفت : که ملک و سلطنت عالم از آن خدا است ؛ و عالم را بیموده نیافریده ، پس زندگی و مرگ شما دست اوست ، و روزی برای رسیدگی با عاملان بی شک در پیش دارید چیزی که هست نادانید و نمیدانید ، و قطعاً درین معامله خسارت خواهید برد .

(۱۰۸) حیات معنوی:

آیه شریفه « یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و المرسل ؛ اذاعاکم لهما یحییکم (سوره ۲۴ آیه ۲۴) ای کسانیکه ایمان آورده اید ، اجابت کنید خدا و رسول را ، و وقتی که شمارا دعوت کند ، بسوی چیزی که حیات بشما میبخشد . و آیه شریفه « اومن کان میتاً فاحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس » آیا کسی که مرده ای بود ، زنده اش کردیم ، و برایش نوری قرار دادیم که باوی در میان مردم راه زندگی را به پیماید مثل دیگران است ؟

(۱۰۹) زیرا غفلت و خطا ، نتیجه عدم انطباق فکر با واقعیت خارج است و خود واقعیت خارج ، با چیزی منطبق نمیشود که غفلت و خطا داشته باشد .

(۱۱۰) - بدلالات آیه کریمه : « فاقم وجهک للذین حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها ، لا تبدیل الخلق الله . ذلک الدین القيم » (سوره روم آیه ۳۰) .

(۱۱۱) « و اوان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض » .

(۱۱۲) اختلاف فطری و دعوت انبیاء

بدلالات آیه شریفه : « فاعلمها فجورها و تقواها » (سوره شمس) یعنی پس الهام نمود بنفس انسانی فجور و تقوی او را .

و نیز میفرماید : « و لو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة ؛ و لا یزالون مختلفین الا من رحم ربک ؛ و لذک خلقم ، و تمت کلمة

ربك، لا ملأن جهنم من الجنة والناس اجمعين» (سوره هود آیه ۱۱۹).
 محصل آیه اینکه: اگر خدا میخواست، مردم بدون هیچ اختلافی يك امت و دارای يك مقصد بودند، ولی ایشان پیوسته اختلاف داشته و قادر بر رفع آن نخواهند بود، مگر آنها که رحمت حق شامل حالشان شود (مراد از رحمت نبوت و وحی دین است، چنانکه در عده ای از آیات این طور معرفی شده) و برای همین منظور که اختلاف نمایند؛ و منجر بر رحمت الهی و دعوت نبوی شود، خدا آنها را آفریده است، و در سایه همین اختلاف سخن خدا، جای خودش را گرفت که فرموده: «دوزخ را از جن وانس پرخواهم نمود».

و در آیه دیگر میفرماید: «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين فيما اختلفوا فيه» (سوره بقره آیه ۲۱۲).

محصل اینکه: مردم مدتی یکنواخت بودند، و بعد اختلاف در میانشان پیدا شد، لذا پیغمبران را با دستور آنکه مردم را ثواب خدائی مؤدود دهند، و از عذاب او بترسانند فرستاده، و هدراشان کتاب نازل کردیم که اختلاف مردم را حل نمایند.
 از آیاتیکه بطور آشکارا این مطلب را بیان میفرماید، آیه شریفه: «وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه الي الله» (سوره شوری آیه ۶۰). میباشد
 محصل معنی اینکه: در هر چیزی اختلاف کردید، حکمش با خدا است و او باید بیان کند و در آیه ۵۱ همین سوره، طریق رساندن حکم را، ارسال رسول معرفی مینماید
 (۱۱۳) بدلات آیه شریفه: «لقد كنت في غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد» (سوره ق آیه ۲۲) یعنی ای انسان! از این اوضاع و پیش آمده ما غفلت داشتی، تا ما برده را از پیش چشم برداشتیم، اینک امروز (روز قیامت) دیگر چشمت تیز است، و آنچه در زیر پرده پنهان بود می بینی.
 (۱۱۴) بدلات آیه کریمه: «وجعلنا منهم ائمة يهدون بها الناس» (سوره سجد آیه ۲۴) و آیه: «وجعلناهم ائمة يهدون بها الناس» (سوره انبياء آیه ۲۳) در جلد اول تفسیر اليزان در ذیل آیه ۱۲۴ از سوره بقره بدلات این آیات را بر این مطلب بطور استیفایان نمودیم، ممکن است با نجا رجوع شود.

خصائص ائمه

(۱۱۵) در تفسیر آیه شریفه: «وقل اعملوا لیسری الله عملکم